

روش‌های مدرن تفسیر متون مقدس

فاطمه توفیقی



روش‌های مدرن تفسیر متون مقدس

عنوان و نام پدیدآور: روش‌های مدرن تفسیر متون مقدس / فاطمه توفیقی.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.
فروست: مجموعه دین‌شناخت
شابک: 978-622-7765-06-9
موضوع: کتاب مقدس -- نقد و تفسیر
سرشناسه: توفیقی، فاطمه، ۱۳۶۴
رده‌بندی کنگره: BS۵۱۸
رده‌بندی دیویی: ۲۲۰/۶۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۵۰۸۰۰۸

روش‌های مدرن تفسیر متون مقدس

فاطمه توفیقی



نشرکردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.

www.kargadanpub.com

[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)

[instagram.com/kargadan.pub](https://www.instagram.com/kargadan.pub)



مجموعه دین شناخت - ۴

روش های مدرن تفسیر متون مقدس

نویسنده: فاطمه توفیقی (هیئت علمی دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب)

ویراستار: فاطمه سعیدی

مدیر هنری: سحر ترهنده

صفحه آرا: هادی عادل خانی

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۰۶-۹

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان

تقدیم به علی،

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

«پروردگارا! ما را از همسران و فرزندانمان نور چشمی بادا! و ما را پیشروی

پارسایان قرار ده!» (فرقان ۷۴)



فهرست

پیش‌گفتار	۱
فصل اول: تاریخ پیدایش کتاب مقدس	۵
۱. مقدمه	۵
۲. کتاب مقدس چیست؟	۷
۳. پیدایش کتاب مقدس: آیا با متنی یکپارچه سروکار داریم؟	۸
۴. مروری بر شیوه‌های تفسیری پیشامدرن	۱۸
۵. الاهیات و تفسیر مدرن	۲۰
بخش یکم، متن‌ها و نسخه‌ها	۲۵
فصل دوم: نقد متنی	۲۷
۱. چرا نقد متنی لازم است؟	۲۷
۲. انواع نسخه بدل	۲۸
۳. نسخه‌های تصحیح شده	۳۲
۴. معیارهای ارزیابی	۳۳
۵. نقد متنی قرآن کریم	۳۵
۶. نقد و ارزیابی	۳۹

بخش دوم، جهان پشت متن، رویکرد تاریخی-انتقادی به کتاب مقدس	۴۱
فصل سوم: نقد منبع	۴۳
۱. مقدمه	۴۳
۲. منابع اسفار پنجگانه تورات	۴۴
۳. مسئله اناجیل همدید	۴۹
۴. تاریخچه	۵۴
۵. روش کار	۵۷
۶. کاریست رویکرد تاریخی-انتقادی در تفسیر قرآن کریم	۵۸
۷. نقد و ارزیابی	۶۵

فصل چهارم: واکاوی شخصیت‌های تاریخی کتاب مقدس؛

(۱) پژوهش‌های عیسای تاریخی	۶۷
۱. مقدمه	۶۷
۲. تاریخچه	۶۸
۳. معیارهای تشخیص عیسای تاریخی چیست؟	۷۸
۴. رابطه پژوهش‌های عیسای تاریخی و مسیح‌شناسی	۸۳
۵. کاریست پژوهش‌های تاریخی درباره شخصیت‌ها در اسلام‌شناسی	۸۵
۶. نقد و ارزیابی	۸۸

فصل پنجم: واکاوی شخصیت‌های تاریخی کتاب مقدس؛

(۲) پژوهش‌های پولس یهودی	۸۹
۱. مقدمه	۸۹
۲. «دیدگاه نو درباره پولس»	۸۹
۳. فراتر از دیدگاه نو	۹۲
۴. مقصود پولس با توجه به زمینه یهودی‌اش	۹۳
۵. بازگشت فیلسوفان به پولس و مسئله شریعت	۱۰۰
۶. نقد و ارزیابی	۱۰۰

فصل ششم: نقد تاریخی (مطالعات اجتماعی) - ۱۰۳ -

۱. مقدمه - ۱۰۳ -

۲. تاریخچه - ۱۰۴ -

۳. روش کار - ۱۰۷ -

۴. نمونه‌ها - ۱۰۸ -

۵. کاربست روش در قرآن پژوهی - ۱۱۱ -

۶. نقد و ارزیابی - ۱۱۲ -

فصل هفتم: نقد فرمی - ۱۱۵ -

۱. مقدمه - ۱۱۵ -

۲. روش کار - ۱۱۶ -

۳. نمونه‌ها - ۱۱۷ -

۴. تاریخچه - ۱۲۳ -

۵. کاربست در قرآن پژوهی - ۱۲۵ -

۶. نقد و ارزیابی - ۱۲۷ -

بخش سوم، جهان درون متن، رویکردهای ادبی - ۱۲۹ -

فصل هشتم: نقد تدوین و نقد کائنی - ۱۳۱ -

۱. نقد تدوین - ۱۳۱ -

۲. نقد کائنی - ۱۳۵ -

۳. کاربست در اسلام پژوهی - ۱۳۹ -

۴. نقد و ارزیابی - ۱۴۳ -

فصل نهم: نقد رتوریک - ۱۴۵ -

۱. مقدمه - ۱۴۵ -

۲. روش کار - ۱۴۶ -

۳. نمونه‌ها - ۱۴۶ -

۴. تاریخچه ----- ۱۵۰
۵. کاریست در قرآن پژوهی ----- ۱۵۱
۶. نقد و ارزیابی ----- ۱۶۲

فصل دهم: نقدهای ساختارگرایانه

- (نشانه‌شناسی، اسطوره‌شناسی و روایت‌شناسی) ----- ۱۶۳
۱. مقدمه: معرفی ساختارگرایی ----- ۱۶۳
۲. نشانه‌شناسی ----- ۱۶۴
۳. نقد اسطوره‌شناسانه ----- ۱۶۸
۴. نقد روایت‌شناسانه ----- ۱۷۰
۵. کاریست در قرآن کریم ----- ۱۷۹
۶. نقد و ارزیابی ----- ۱۸۱

فصل یازدهم: نقد روان‌کاوانه

۱. مقدمه ----- ۱۸۳
۲. نقد روان‌شناسانه چیست؟ ----- ۱۸۴
۳. مروری بر نظریات روان‌کاوی ----- ۱۸۵
۴. روش‌های نقد روان‌کاوانه کتاب مقدس ----- ۱۹۱
۵. نمونه‌ها ----- ۱۹۲
۶. کاریست در قرآن پژوهی ----- ۱۹۹
۷. نقد و ارزیابی ----- ۲۰۰

فصل دوازدهم: پساساختارگرایی

۱. مقدمه ----- ۲۰۳
۲. چهارچوب نظری ----- ۲۰۴
۳. روش کار ----- ۲۰۹
۴. نمونه‌ها ----- ۲۱۰

۲۱۶	۵. کاربست در قرآن پژوهی
۲۱۹	۶. نقد و ارزیابی
۲۲۳	بخش چهارم، جهان جلوی متن، رویکردهای اخلاقی
۲۲۵	فصل سیزدهم: رویکردهای فمینیستی
۲۲۵	۱. مقدمه
۲۲۵	۲. خاستگاه‌های تفسیر فمینیستی
۲۲۹	۳. جریان‌های تفسیر فمینیستی کتاب مقدس
۲۳۲	۴. نمونه‌ها
۲۴۲	۵. کاربست در قرآن پژوهی
۲۴۶	۶. نقد و ارزیابی

فصل چهاردهم: نقد سلطه‌ستیزانه کتاب مقدس

۲۴۷	(مسائل فقر، جنگ، استعمار و امپریالیسم)
۲۴۷	۱. مقدمه
۲۴۸	۲. مطالعات فرودستان/نظریه پسااستعمار
۲۵۲	۳. روش‌های نقد سلطه‌ستیزانه کتاب مقدس
۲۵۲	۴. نمونه‌ها
۲۶۴	۵. کاربست در قرآن پژوهی
۲۶۸	۶. نقد و ارزیابی
۲۷۱	بخش پنجم، فرائفسیر
۲۷۳	فصل پانزدهم: نظریه دریافت و مطالعات کتاب مقدس
۲۷۳	۱. مقدمه
۲۷۴	۲. نظریات نقد خواننده‌محور
۲۷۷	۳. روش کار
۲۷۸	۴. نمونه‌ها

۵. کاریست در قرآن پژوهی - - - - - ۲۸۹

۶. نقد و ارزیابی - - - - - ۲۹۱

بخش ششم، کاریست روش‌ها و رویکردها در خوانش متون مقدس - - - ۲۹۳
فصل شانزدهم: کاریست رویکردها و روش‌های تفسیری مدرن در متنی از

کتاب مقدس عبری - - - - - ۲۹۵

۱. نقد تاریخی - - - - - ۲۹۹

۲. نقد تدوین - - - - - ۳۰۰

۳. نقد رتوریک - - - - - ۳۰۱

۴. نقد روایت‌شناسانه - - - - - ۳۰۸

۵. نقد فمینیستی - - - - - ۳۱۳

۶. نقد پسااستعمار - - - - - ۳۱۶

۷. نظریه دریافت - - - - - ۳۱۷

۸. جمع‌بندی - - - - - ۳۱۹

فصل هفدهم: کاریست رویکردها و روش‌های تفسیری مدرن در متنی از

عهد جدید - - - - - ۳۲۱

۱. نقد متنی - - - - - ۳۲۲

۲. پژوهش‌های عیسای تاریخی - - - - - ۳۲۲

۳. نقد اجتماعی و تاریخی - - - - - ۳۲۴

۴. نقد فرمی - - - - - ۳۲۶

۵. نقد ساختارگرایانه - - - - - ۳۲۷

۶. نقد تدوین - - - - - ۳۲۹

۷. نقد روایت‌شناسانه - - - - - ۳۳۱

۸. نقد ادبی خواننده‌محور از منظر فمینیستی - - - - - ۳۳۲

۹. نقد فمینیستی - - - - - ۳۳۵

۱۰. نقد پسااستعمار - - - - - ۳۳۹

۱۱. جمع‌بندی ----- ۳۳۹

فصل هجدهم: کاربرست رویکردها و روش‌های تفسیری مدرن در متنی از

قرآن کریم ----- ۳۴۱

۱. نقد تاریخی ----- ۳۴۲

۲. نقد فرمی ----- ۳۴۶

۳. نقد رتوریکی ----- ۳۴۸

۴. نقد روایت‌شناسانه ----- ۳۴۹

۵. نقد اخلاقی ----- ۳۵۲

۶. جمع‌بندی ----- ۳۵۶

کتابنامه ----- ۳۵۷

نمایه ----- ۳۷۵



پیش‌گفتار

این اثر برای همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به رشته‌های مطالعات قرآن و متون مقدس آماده شده است. روش‌های تفسیری کتاب مقدس در دوران مدرن رشد فراوانی داشته‌اند و سالانه چندین گردهمایی بزرگ درباره‌ی کاربست این روش‌ها و رویکردهای نوین برگزار می‌شود و کتاب‌هایی در این باره با شمارگان بالا انتشار می‌یابند. اما این روش‌ها به‌ندرت در جامعه فارسی‌زبان معرفی شده‌اند. ترجمه‌ی یک یا دو کتاب حق مطلب را ادا نمی‌کند. بسیاری از کتاب‌ها جامعیت لازم را ندارند و معمولاً مطالبشان برای مخاطب برخاسته از فضای یهودی و مسیحی مناسب‌تر است. گرچه خوانندگان کتاب حاضر بهتر است آشنایی اجمالی با کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان داشته باشند؛ لازم نیست جزئیات آن را بدانند. یکی از انگیزه‌های دیگر نگارش این کتاب پرداختن به این پرسش رایج در مطالعات قرآنی است که تا چه حد می‌توان از روش‌هایی که در جوامع مسیحی غربی برای فهم متون شکل گرفته است، در تفسیر قرآن کریم بهره برد. به همین دلیل هر فصل با امکان و وقوع کاربست هر روش در قرآن پژوهی پایان می‌یابد. از این رو، این اثر به نوعی روش‌شناسی تطبیقی متون مقدس است؛ به این طریق که، بررسی می‌شود تا چه حد روش‌های تفسیری یک متن برای تفسیر متنی کاملاً متفاوت عملی است. چنان‌که در فصل نخست اشاره می‌شود، از آنجاکه از منظر برون‌دینی شرایط پیدایش کتاب مقدس و قرآن کریم متفاوت است، روش‌های به کار رفته در یکی از آنها لزوماً برای دیگری مناسب نیست. همچنین منظر ایمانی متفاوت یک مسلمان در برابر قرآن کریم و کتاب

مقدس در رویکرد تفسیری او نیز تأثیر دارد. به عنوان مثال، اینکه یک مسیحی به هدایت روح القدس یا مرجعیت کلیسا ایمان داشته باشد یا یک مسلمان شیعه بر حجیت تفاسیر اهل بیت تکیه کند، بی‌گمان در سازگاری او با روش‌های تفسیری مدرن مؤثر خواهد بود. در عین حال، باید توجه داشت که بسیاری از این روش‌های تفسیری، فارغ از منظر ایمانی، برای پژوهشگران قابل استفاده‌اند. به علاوه، تاکنون در سنت یهودی و مسیحی معمولاً مؤمنان بوده‌اند که به آنها پرداخته‌اند و نه تنها آنها را با ایمان دینی خود ناسازگار نمی‌دیدند، بلکه می‌توان ادعا کرد برای پیشبرد آن ایمان از بسیاری از این رویکردها استفاده هم کرده‌اند.

در این کتاب منحصرأ به تفاسیر مدرن می‌پردازم؛ یعنی، تفسیری که از قرن هجدهم مرسوم شده‌اند. نقد متنی گرچه پیش از قرن هجدهم از زمان اختراع ماشین چاپ و حتی تا اندازه‌ای پیش از آن، با قوت تمام موجود بود، صرفاً برای بررسی تحولات مدرن در این اثر گنجانده شده است. در حالی که موضوع کلی این اثر روش‌شناسی تفسیری مدرن است، در برخی موارد بیش از «روش»^۱ درباره «رویکرد»^۲ سخن به میان می‌آید؛ برای نمونه، به رویکرد فمینیستی یا رویکرد سلطه‌ستیزانه اشاره می‌شود. در اینجا بیشتر منظور آن است که از یک نظریه یا حساسیت خاص در خواندن متن استفاده می‌شود، گرچه ممکن است روش متفاوتی وجود نداشته باشد. واژه پرکاربرد دیگر واژه «نقد» معادل criticism در زبان انگلیسی است. این واژه در اینجا به هیچ وجه به معنای انتقاد نیست، بلکه منظور تحلیلی است که به فهم بهتر و معمولاً ستایش شکلی و محتوایی متن منجر می‌شود. مشابه این کاربرد را در واژه فارسی «نقد ادبی» یا «نقد فیلم» می‌بینیم که به هیچ وجه به معنای انتقاد نیست.

فصل نخست اطلاعاتی را در بر دارد که خوانندگان در ادامه باید آنها را مفروض گیرند. کتاب بر مبنای اصطلاحی رایج در مطالعات کتاب مقدس برگرفته از نظریات پل ریکور (م. ۲۰۰۵)^۳ تدوین شده است و به سه جهان متن می‌پردازد: پشت متن، درون متن و جلوی متن (106-93: 2016). پس از بخش نخست، که در خصوص نقد متنی یا نسخه‌شناسی است، به «جهان پشت متن» یعنی شرایط

1 method

2 approach

3. Paul Ricoeur

تاریخی ظهور متن می‌پردازیم. بخش سوم به «جهان درون متن» اختصاص دارد، یعنی در آن سازوکار درونی و زیبایی‌هایی متن بررسی می‌شود. بخش چهارم هم درباره «جهان جلوی متن» یعنی جهان خوانندگان متن مقدس است؛ خوانندگانی که تأثیر متن مقدس را در شرایط اخلاقی زندگی‌شان و گفتمان‌هایی می‌بینند که در تفسیر متون حاکم است. در بخش پایانی هم روش‌های گوناگون تا حد امکان در سه متن از عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم اعمال شده‌اند. هر فصل مستقل از فصل‌های دیگر است؛ با این حال، ممکن است مطلبی که در فصلی نامفهوم به نظر می‌رسد، در فصل‌های دیگر به تفصیل توضیح داده شده باشد. به همین دلیل کوشیده‌ام این ارجاعات متقابل را در متن یا پانویست مشخص کنم. گرچه ساختار فصل‌ها با هم متفاوت است، همه فصل‌ها شامل چهارچوب نظری، تاریخچه، روش، نمونه‌ها، نقد و ارزیابی و کاریست در قرآن‌پژوهی است.

برای ارجاعات به کتاب مقدس از ترجمه ایلام استفاده می‌کنم. این ترجمه در مواردی نادقیق و تحت تأثیر ترجمه انگلیسی شاه جیمز است. با اینکه ترجمه اخیر پیروز سیار از فرانسوی به فارسی بر اساس کتاب مقدس اورشلیم^۱ را بسیار خواندنی و دقیق می‌دانم، به دلیل رواج نسبی ترجمه ایلام در میان مسیحیان و یهودیان فارسی‌زبان از آن استفاده می‌کنم. ترجمه فارسی آیات قرآن کریم را خود انجام دادم، مگر در مواردی که به ترجمه‌ای دیگر ارجاع داده باشم. در موارد زیادی، نقل قول‌های طولانی و بسیاری در متن آمده است. آشنایی دقیق با ادبیات تفسیری، این نقل قول‌های طولانی را ایجاب می‌کرد.

هر کتاب یک سفر است. این کتاب هم سفری آفاقی و انفسی بوده است. آغاز آن در دوران دانشجویی کارشناسی ارشد بود. در آن روزگار پرسش در خصوص امکان کاریست رویکردها و روش‌های خوانش ادبی و تاریخی متن در فهم و تحلیل متن مقدس مرا که دانشجوی ادبیات انگلیسی بودم، به مجموعه مطالعاتی در این باره واداشت. بازگشت به کتاب‌ها و پرسش‌های آن روزگار مرا از کتابخانه دانشگاه ادیان قم تا دانشگاه گلاسگو و نگارش رساله دکتری درباره تفاسیر مدرن رساله‌های پولس و سپس تدریس در کلاس‌هایی درباره روش‌های تفسیری متن مقدس،

هرمنوتیک، رویکرد زنانه‌نگر به دین و تفسیر و ... در دانشگاه ادیان و مذاهب کشاند. گپ و گفت‌ها و مطالعات و تأملات و پرسش‌هایی که با آنها مواجه شدم، در نگارش این کتاب نقش داشته‌اند.

نوشتن و تکمیل کتاب حاضر به مدد فراغت قرنطینه همه‌گیری کرونا در پایان سال ۱۳۹۸ و بهار ۱۳۹۹ میسر شد. نه خود آن قرنطینه که فعالان عرصه سلامت به من این امکان را دادند که فارغ‌دانه به پژوهش و نوشتن بپردازم. در اینجا ضمن طلب رحمت الاهی برای درگذشتگان، به سوی همه داوطلبان و فعالان بهداشت و سلامت، سر تعظیم فرود می‌آورم.

هر اثری درباره متن مقدس را نمی‌توانم بدون سپاس بی‌کران از مهم‌ترین و نخستین استادم در مطالعه متون مقدس، پدرم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حسین توفیقی، به پایان ببرم. نخستین بارقه‌های شوق به واکاوی متون مقدس به زبان اصلی در نوجوانی در محضر ایشان شکل گرفت. در بزرگسالی، بحث و تبادل نظر با ایشان در خصوص پیوند متون کهن با شرایط امروزی ادامه یافت. این کتاب چیزی نیست جز آشکارسازی ابزارها و روش‌هایی که شاید به پاسخ دادن به این پرسش‌ها کمک می‌کند. از حیدر عیوضی و فاطمه مرتضوی تشکر می‌کنم که بر نسخه پیش از انتشار کتاب مروری دقیق داشتند و نظرات سودمندشان را از من دریغ نکردند. به‌ویژه از محمد حقانی فضل‌سپاسگزارم که کل اثر را با دقت خواند و به ویرایش محتوایی و شکلی آن بسیار کمک کرد. همچنین، از حسین خندق‌آبادی قدردانی می‌کنم که در انتشار این کتاب نقشی مهم داشت. از دست‌اندرکاران نشر کرگدن، آقای دکتر حسین شیخ‌رضایی و سرکارخانم پریا عباسی، هم متشکرم.

این اثر را به یگانه‌ترین یار و همسرم، علی سلطانی، تقدیم می‌کنم؛ به پاس همه همراهی‌ها و به یاد همه پرسش‌های قرآنی‌ای که همواره موضوع بحث ما بوده است. نظرات و بینش‌های دقیق او به‌طور خاص در بازخوانی این کتاب و نیز به زدودن بسیاری از کاستی‌های آن کمک کرد.

فاطمه توفیقی

دانشگاه ادیان و مذاهب (قم)

تابستان ۱۳۹۹

تاریخ پیدایش کتاب مقدس

۱. مقدمه

وقتی درباره کتاب مقدس و قرآن کریم سخن می‌گوییم، باید توجه کنیم که حتی از نگاه برون‌دینی شکل این دو کتاب متفاوت است. قرآن کریم بیش از آنکه به دنبال روایت باشد، پیام‌هایی را دربردارد؛ اما کتاب مقدس اکثراً روایی است، گرچه این روایت‌ها خالی از پیام نیستند. قرآن کریم خودش را متن مقدس می‌داند، درحالی‌که متون کتاب مقدس در زمان نگارش بر چنین ادعایی مبتنی نبوده‌اند. زمان نگارش قرآن کریم حتی از نظر تجدیدنظرطلبان^۱ بیش از چند دهه طول نمی‌کشد، درحالی‌که زمان نگارش عهد عتیق در کوتاه‌ترین حالت از قرن ششم ق.م. تا قرن دوم ق.م. بوده است؛ گرچه متونی از قرن‌ها قبل هم در آن یافت می‌شود. عهد جدید هم در فاصله سال‌های ۵۰ تا ۱۲۰ م. نوشته شده است. از نظر مکانی هم قرآن کریم در عربستان شمالی یا حجاز تولید شده است، درحالی‌که کتاب مقدس به مکان‌های گوناگونی چون فلسطین و ایران و یونان تعلق دارد. نسخه‌های خطی‌ای که از قرآن کریم وجود دارد، به چند دهه پس از پیامبر(ص) مربوط می‌شود، درحالی‌که

۱. revisionists؛ گروهی از دانشمندان چون جان ونزبرو، پاتریشیا کرون و مایکل کوک متقدم، گونتر لولینگ، کریستوف لوگومبرگ که ادعاهای کتب سیزه و تاریخ اسلامی را در مورد تدوین قرآن طرد کردند و زمان ظهور قرآن را در قرن دوم می‌دانستند. ادعاهای این دانشمندان و نقد آن در پایان فصل سوم معرفی خواهد شد.

نسخه‌های بسیار قدیمی موجود از عهد عتیق و عهد جدید با فاصله زیادی از نگارش نخستین نوشته شده‌اند. از منظر الاهیاتی و حتی تاریخی ادعا می‌شود که قرآن کریم نه با عهد جدید که با خود عیسی (ع) قابل مقایسه است. نه تنها هر دو «کلمه» خدایند و مستقیماً از خدا صادر شده‌اند، بلکه سبک نگارش عهد جدید گزارشی است و از این جهت بیش از آنکه شبیه قرآن باشد، شبیه سیره نبوی است. اما توجه کنیم که همه این متون برای پیروانشان تقدس دارند. درعین حال، بازهم در هر مورد باید توجه کنیم که تا چه حد یک متن اقتضائات خاص الاهیاتی و تاریخی خود را دارد و ممکن است در مقابل یک روش پاسخ بدهد یا نه.^۱

نیازی به تأکید نیست که یکی از مفروضات کتاب حاضر، تحریف نشدن کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است. آموزه تحریف علی‌رغم شیوع و رواجش میان مسلمانان، باوری مستحکم نیست. با وجود تأکید قرآن کریم بر تصدیق کتاب‌های پیشین، به دلیل اشاره آن بر «تحریف کلام» از سوی اهل کتاب، نیافتن بشارت ظهور پیامبر در کتاب مقدس و نسبت داده شدن گناهانی به انبیا در کتاب مقدس، مسلمانان کتاب مقدس را اثری تحریف‌شده می‌دانند. اما باید توجه کرد که قرآن هنگام سخن گفتن از تحریف کلام به تحریف کتاب مقدس اشاره نمی‌کند، بلکه سیاق آیات، سخنی دیگر را می‌رساند. همه مواردی که در آنها تحریف به اهل کتاب نسبت داده شده است (بقره ۷۵؛ آل عمران ۷۸؛ نساء ۴۶؛ مائده ۱۳ و ۴۱) درباره تغییرات در محاوره روزمره یهودیان آن روزگار با پیامبر (ص) به قصد توهین به ایشان بوده است؛ برای نمونه، آنان می‌گفتند «سمعنا و عِسنو» که کلمه دوم به عبری یعنی «انجام دادیم»؛ درعین حال، از جناس میان «عَصینا» و «عِسنو» هم استفاده می‌کردند تا سخنان به معنای «شنیدیم و نافرمانی کردیم» هم باشد. یا می‌گفتند «راعنا» یعنی «مراعات ما را بکن»، درحالی که مقصودشان معنای عبری این لفظ یعنی «شریر ما» بود. به همین دلیل در آیه ۴۶ سوره نساء گفته می‌شود که بهتر است بگویند «سَمِعنا و أَطَعنا» یا «انظُرنا». در سایر آیات فوق هم به این حرکت دادن زبان و تغییر «کلام» و نه «کتاب» اشاره شده است. حتی آیه ۷۹ سوره

۱. برای مقایسه‌ای مبسوط میان قرآن کریم و کتاب مقدس، نک: مهراب صادق‌نیا، (۱۳۹۴). قرآن و کتاب مقدس (مقایسه ساختار و محتوا)، قم: نشر هاجر.

بقره که دربارهٔ این است که یهودیان کتاب‌هایی را به دست خودشان می‌نوشتند و ادعا می‌کردند از سوی خدا آمده است، چیزی دربارهٔ «تحریف» نمی‌گوید (توفیقی، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۳۶). بنابراین، لفظ «تحریف» در قرآن کریم به معنای تحریف متون مقدس نیست. بر مبنای شواهد موجود، ادعای تحریف کتب آسمانی پیشین نخستین بار در زمان مأمون عباسی مطرح شده است (طباطبایی و مهدوی راد، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۷۹). به علاوه، چنان‌که در فصل دوم توضیح خواهم داد، نسخه‌های خطی بسیار قدیمی‌ای مربوط به قرن‌ها قبل از اسلام در کتابخانه‌ها و موزه‌ها موجود است که با نسخه‌های موجود از کتاب مقدس تفاوت چندانی ندارد. تفاوت‌های نسخه‌های خطی پیش از اختراع ماشین چاپ و تصحیح متون در مورد هر کتابی وجود داشته است و به هیچ وجه به معنای تغییر عمدی در یک کتاب با هدف حذف بشارت اسلام نیست. البته، ممکن است گفته شود که تحریف کتاب مقدس به دست اهل کتاب نه حذف نام پیامبر اسلام (ص)، بلکه حذف صفات ایشان بوده است؛ یعنی ایشان را با موعودشان منطبق نمی‌کرده‌اند (بقره ۱۵۹). این سخن گرچه از نظر تاریخی درست است، به معنای داشتن تفسیر نادرستی از متن است و نه حذف و دست‌کاری در خود متن. همچنین توجه کنیم انتظار منجی در خود متن عهد عتیق یافت نمی‌شود و صرفاً الاهیدانان بعدی آیاتی را که در زمینهٔ خودشان به معنایی دیگر بوده‌اند، در زمینهٔ انتظار مسیحا طرح کرده‌اند. در عهد جدید هم اشاره به موعود تقریباً یافتنی نیست. مسیحیان پس از رستاخیز عیسی منتظر بازگشت خود او هستند و نه کسانی دیگر. بدین معنا فرضیهٔ تحریف کتاب مقدس قابل اثبات نیست.

۲. کتاب مقدس چیست؟

کتاب مقدس^۱ از دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است. البته چنان‌که توضیح خواهم داد، بخشی از عهد عتیق وجود دارد که مورد پذیرش یهودیان و پروتستان‌ها نیست. عهد عتیق به روشنی اصطلاحی مسیحی است. یهودیان فقط یک کتاب مقدس دارند، یعنی همان چیزی که مسیحیان «عهد عتیق» می‌نامند،

و فقط یک عهد را می‌پذیرند یعنی عهد خدا با ابراهیم. بنابراین، بسیاری از پژوهشگران برای اشاره به این کتاب از اصطلاح‌های «کتاب مقدس یهودیان» یا «کتاب مقدس عبری»^۱ استفاده می‌کنند. البته باز هم توجه داشته باشیم که قید «عبری» به معنای این است که گویا کتاب مقدس مطلقاً غیر از این کتاب یا اعم از آن وجود دارد، درحالی‌که یهودیان چنین تصویری از آن کتاب ندارند. در این اثر، معمولاً از اصطلاح «کتاب مقدس یهودیان» یا «کتاب مقدس عبری» استفاده می‌کنم، گرچه استفاده از «عهد عتیق» را نیز به دلیل رواج آن، ناروا نمی‌دانم. استفاده از عناوین قرآنی «تورات» یا «انجیل» به جای Bible دقیق نیست و معادل این واژه انگلیسی «کتاب مقدس» است.

۳. پیدایش کتاب مقدس: آیا با متنی یکپارچه سروکار داریم؟

۳-۱. تاریخ پیدایش عهد عتیق

برای آشنایی با تاریخ تکوین کتاب مقدس باید تاریخچه‌ای اجمالی از بنی اسرائیل را در نظر داشت. تاریخ تخمینی خروج بنی اسرائیل از مصر قرن سیزدهم ق.م. است. پادشاهی داود احتمالاً در سال ۹۷۰ ق.م. پایان یافته است. پس از او فرزندش سلیمان پادشاه بنی اسرائیل شد که حکومتش حدوداً تا سال ۹۳۰ ق.م. ادامه یافت. اما پس از سلیمان انشقاقی بین جانشینانش رخ داد. درحالی‌که فرزندش رحبعام حاکم بود، یزبعام شورش کرد و حاکم سرزمین شمالی اسرائیل یا سامره شد. سرزمین جنوبی یهودا نام داشت و پایتخت آن اورشلیم بود. سرزمین شمالی از نظر سیاسی آشفته بود و در دوره‌های گوناگون پایتخت‌های متعددی داشت. در سال ۷۲۰ ق.م. آشوریان به سرزمین شمالی حمله کردند و بسیاری را به اسیری بردند. گفته می‌شود که سامریان از نسل کسانی هستند که به اسیری نرفتند. در سال ۵۸۶ ق.م. سرزمین جنوبی هم با حمله بابلیان نابود شد و بسیاری از بنی اسرائیل به اسیری برده شدند. این اسارت که به «جلای بابل» معروف است، پس از فرمان کورش مبنی بر آزادی یهودیان در سال ۵۳۰ ق.م. پایان یافت و آنان به سرزمینشان بازگشتند و معبدشان را بازسازی کردند. قرن هفتم تا ششم ق.م.

در شکل‌گیری کتاب مقدس یهودیان نقش فراوانی دارد. یوشیا، پادشاه یهودا در نیمه دوم قرن هفتم، اصلاحات مهمی را ترتیب داد؛ از جمله، دستور داد بخش‌های زیادی از کتاب مقدس بازنویسی شود. سفر تثنیه و تاریخ تثنیه‌ای (یعنی کتاب‌های انبیای آغازین) به این دوران تعلق دارند. همچنین انبیای بنی‌اسرائیل هم در این دوران ظهور کردند. عاموس و هوشع که به سرزمین شمالی تعلق داشتند، پیش از ویرانی آن، خبر داده بودند که در صورت توبه نکردن از گناه، ویرانی از راه می‌رسد. انبیای سرزمین جنوبی با دیدن عاقبت مردم سرزمین شمالی هشدار می‌دادند که ویرانی بر سر یهودیان خواهد آمد. روشن است که پس از وقوع ویرانی معبد، آنان باز هم بر این سخنان تأکید می‌کردند و پس از بازگشت بنی‌اسرائیل، شادمانی انبیا در این باره هم ثبت شده است. بسیاری از متون مقدس در دوران تبعید یا اندکی پس از آن نهایی شدند و در برخی از آنها چنان‌که در فصل‌های آینده خواهیم دید، پرسش‌های خاص تبعید، به عنوان نمونه مسئله شر، طنین می‌افکند.

از سال ۵۳۰ ق.م. تا سال ۳۳۰ ق.م. (حملة اسکندر) دوران ایرانی نامیده می‌شود. پس از حکومت یونانیان بر فلسطین، دوره هلنی/یونانی آغاز می‌شود که تقریباً تا قرن اول ق.م. ادامه دارد. در این دو دوره هم متون زیادی نوشته شدند تا اینکه با نگارش کتاب دانیال در سال ۱۷۰ ق.م. نگارش کتاب مقدس پایان یافت. تدوین مهم‌ترین ترجمه یونانی کتاب مقدس عبری، یعنی ترجمه سبعینیه یا هفتادی، تا حدود سال ۱۳۰ ق.م. انجام گرفت. طبق افسانه‌ای که در نامه/ارستياس آمده است، پادشاه بطلمیوس دوم فیلادفوس ۷۲ مترجم، از هر قبیله بنی‌اسرائیل شش نفر، را گرد آورد و آنها را در اتاقک‌هایی جداگانه گذاشت تا تورات را به یونانی ترجمه کنند. به قدرت خدا این ترجمه‌ها که جداگانه انجام شده بودند، یکسان بودند. از این رو، این ترجمه «سبعینیه» یا «هفتادی» نامیده می‌شود.^۱ ترجمه سبعینیه احتمالاً در نیمه قرن سوم ق.م. آغاز شده و در نیمه قرن دوم ق.م. پایان یافته است. تقریباً تمام چاهایی که عهد جدید، که به یونانی نوشته شده است، به عهد عتیق ارجاع داده، ارجاع به ترجمه سبعینیه است و نه اصل عبری آن.

۱. برای مطالعه نامه/ارستياس، نک: توفیقی، حسین. (۱۳۹۶). کتاب‌های فراموش شده عدن، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۳۸۲-۳۰۷.

در سال ۷۰ م. معبد اورشلیم برای بار دوم ویران شد و پس از آن هیچ‌گاه بازسازی نشد. فاصله بین سال‌های ۵۳۰ ق.م. و ۷۰ م. دوران معبد دوم نامیده می‌شود.

۲-۳. بخش‌های کتاب مقدس یهودیان

کتاب مقدس یهودیان، به‌جز چند صفحه از آن در کتاب دانیال که به زبان آرامی است، به زبان عبری و عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است. عهد عتیق مشتمل بر سه بخش است: تورات، نویسیم (کتب انبیا) و کتوبیم (نوشته‌ها). برای اشاره به این اثر می‌توان از حروف آغازین این سه بخش استفاده کرد که حاصل آن می‌شود: **تنخ**. («ک» در آغاز واژه «کتوبیم» هنگامی که در پایان کلمه قرار بگیرد «خ» تلفظ می‌شود.) تورات متشکل از پنج سفر است: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه. به‌طور سنتی گفته می‌شد که موسی نویسنده اسفار پنجگانه تورات است، گرچه این دیدگاه در نقد مدرن رد شده است. ویرایش نهایی اسفار در قرن شش ق.م. پس از پایان جلای بابل پایان یافت.

کتب انبیا بر دو قسم است: (۱) انبیای آغازین (نویسیم ریشونیم) مشتمل بر کتاب‌های یوشع، داودان، کتاب اول و دوم سموئیل و کتاب اول و دوم پادشاهان؛ و (۲) انبیای پایانی (نویسیم آخرونیم) مشتمل بر کتاب‌های اشعیا، ارمیا، حزقیال و تری عسر یعنی دوازده نبی کوچک (یعنی هوشع، یوئیل، عاموس، عبیدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صَفَنیاه، حَجّی، ذکریا و ملاکی). کتاب‌های انبیای آغازین این قصه‌ها را دربردارد: پیروزی یوشع بر سرزمین کنعان، تلاش بنی اسرائیل برای مالکیت کل آن سرزمین، ظهور پادشاهان در میان بنی اسرائیل و شکل‌گیری سلسله پادشاهی داود و سلیمان و پس از اندکی ویرانی اورشلیم. این کتاب‌ها را می‌توان مجموعه «تاریخ تثنیه‌ای»^۱ نامید که به گفته دانشمند کتاب مقدس، مارتین نات^۲، نگارنده‌ای واحد در قرن ششم ق.م. با توجه به الاهیات موجود در سفر تثنیه از منابع حاصل از اصلاحات یوشیا در قرن هفتم ق.م. گردآوری و بازنویسی کرد. بخش دوم یعنی کتاب‌های انبیای پایانی در فاصله قرن هشتم ق.م. تا قرن

1. Deuteronomic History

2. Martin Noth

پنجم ق.م. نوشته شده است. عاموس و هوشع در قرن هشتم در سرزمین شمالی می‌زیستند، درحالی‌که بقیهٔ انبیا در سرزمین جنوبی بودند یا در زمان تبعید و پس از آن نبوت می‌کردند. کتاب اشعیا به سه بخش قابل تقسیم است. اشعیای اول (۱-۳۹) پیش از ویرانی معبد نوشته شده است. اشعیای دوم (۴۰-۵۵) توسط نبی‌ای در بابل در جلای بابل نوشته شده است. اشعیای سوم (۵۶-۶۶) در یهودا در سال ۵۳۹ ق.م. پس از بازگشت از بابل به رشتهٔ تحریر درآمده است. کتاب ارمیا به قرن ششم ق.م. یعنی اندکی پیش از ویرانی معبد تا اندکی پس از آن را شامل می‌شود. ارمیا تمام عمر خود را در اورشلیم ماند. نبوت حزقیال از سال ۶۰۳ ق.م. تا ۵۷۱ ق.م. طول کشید و بنابراین حملهٔ بابلیان به اورشلیم را هم دربردارد. کتاب میکاه در قرن هشتم ق.م. در سرزمین جنوبی نوشته شده است. تاریخ کتاب یوئیل به سادگی قابل تعیین نیست و در نظریات گوناگون نگارش آن را به قرن نهم تا قرن چهارم ق.م. منتسب شده است. اما با توجه به ارجاعات این کتاب به بسیاری از متون دیگر کتاب مقدس می‌توان قرن پنجم و چهارم را برای نگارش آن پذیرفت. به همین شکل تصمیم‌گیری برای تاریخ نگارش عوبدیه و یونس دشوار است، گرچه اکثراً زمان نگارش آن را دوران تبعید می‌دانند. کتاب‌های ناحوم و حبقوق و صفیاه نیز در قرن هفتم ق.م. به تحریر درآمده‌اند. کتاب‌های حجی و ذکریا در قرن ششم ق.م. پس از خروج از تبعید و کتاب ملاکی نیز در قرن پنجم ق.م. نگاشته شده‌اند.

کتوبیم یا نوشته‌ها که گونه‌های ادبی متفاوتی را دربردارد، از این قرار است: کتاب‌های روت، اول و دوم تواریخ ایام، عزرا-نحمیا، استر، ایوب، مزامیر، امثال، جامعه، غزل سلیمان، مراثی و دانیال. برخلاف تورات که تاریخ آفرینش و نجات بنی‌اسرائیل از مصر را روایت می‌کند و کتب انبیا که سرشار از سروش‌های^۱ مربوط به یگانه‌پرستی اخلاقی و وعدهٔ عذاب هستند، کتوبیم معمولاً مضامین فلسفی و ادبی و الاهیاتی دارند. توجه داشته باشیم که تاریخ نگارش بسیاری از این آثار با تاریخی که در خود آنها ذکر شده مطابقت نیست. برای نمونه،

۱. oracle؛ هائف یا سروش پیامی کوتاه و رمزآلود از جانب ایزد(ان) است که معمولاً از طریق پیغامبری منتقل می‌شود و نیازمند تفسیر است.

کتاب روت به رخدادی در روزگار حکومت داوران تا پیش از قرن یازدهم ق.م. اشاره دارد، درحالی‌که احتمالاً در دوران تبعید (قرن ششم ق.م.) نوشته شده است. وقایع کتاب استر زمان حکومت خشایارشا رخ داده، درحالی‌که خود آن یا در اواخر دوران هخامنشی یا در آغاز دوران یونانی نوشته شده است. ویرایش نهایی کتاب غزل سلیمان احتمالاً در قرن چهارم و سوم ق.م. صورت گرفته است. کتاب مزامیر که به داود منسوب است، در دوره‌های گوناگونی نوشته شده و سرانجام در قرن ششم ق.م. به ویرایش نهایی رسیده است. کتاب‌های تواریخ ایام و عزرا-نحمیا که سبک و الاهیات و زبان مشابهی دارند، احتمالاً پس از بازگشت از تبعید در اورشلیم در قرن چهارم ق.م. نوشته شده‌اند. کتاب ایوب هم به اواخر قرن پنجم و آغاز قرن چهارم ق.م. برمی‌گردد. کتاب امثال گرچه به قرن نهم ق.م. برمی‌گردد، سرانجام در قرن پنجم تا سوم ق.م. به ویرایش نهایی رسید. کتاب جامعه نیز به قرن پنجم ق.م. مربوط است. گرچه نسبت دادن کتاب مراثی به ارمیای نبی صحیح نیست، احتمالاً این اثر در قرن ششم ق.م. هم‌زمان با ویرانی اورشلیم نگاشته شده است. چنان‌که پیش‌تر هم اشاره شد، کتاب دانیال آخرین متن مکتوب کتاب مقدس مربوط به حدود سال ۱۷۰ ق.م. است. داده‌های فوق در جدول زیر خلاصه شده است.

تاریخ	کتاب/رخداد
قرن یازدهم ق.م.	تقسیم سرزمین‌های بنی‌اسرائیل به شمالی و جنوبی
قرن ششم ق.م.	حمله آشوریان به سرزمین شمالی

ارمیا و اشعای نخست (فصل‌های ۱-۳۹)	قرن ششم ق.م.
اشعای دوم (فصل‌های ۴۰-۵۵)، حزقیال، تاریخ تشبیه‌ای	
(کتاب‌های یوشع، داودان، کتاب اول و دوم سموئیل و کتاب جلائی بابل (۵۸۶ اول و دوم پادشاهان)، مراشی ارمیا، روت، احتمالاً عوبدیا، ق.م. - ۵۳۰ ق.م.)	
و یونس	
اشعای سوم (فصل‌های ۵۶-۶۶)	
بازنویسی سفر پیدایش، خروج، لاویان و اعداد	پس از جلائی بابل
تواریخ ایام اول و دوم، عزرا-نحمیا	(دوران ایرانی)
ویرایش نهایی مزامیر	
جامعه، ویرایش نهایی امثال، ایوب	
ویرایش نهایی امثال و غزل سلیمان	پس از جلائی بابل
ذکریا، جمعی، ملاکی	(دوران ایرانی)
شاید کتاب یونیل	
احتمالاً استر	پس از حمله اسکندر
دانیال	(دوران یونانی)

۳-۳. نسخه‌های کهن کتاب مقدس عبری

اصلی‌ترین نسخه عهد عتیق نسخه ماسوره‌ای^۱ بوده است. «ماسوره» در عبری به معنای سنت است. دانشمندانی فلسطینی و بابلی از قرن ششم تا دهم میلادی با دقت از نسخه‌های مکتوب و شفاهی موجود در آن روزگار استفاده کردند تا نسخه‌ای نسبتاً اصیل از کتاب مقدس عبری را تولید کنند. این نسخه برخلاف نسخه‌های پیشین که هیچ حرکت‌گذاری‌ای نداشتند، حرکات و علائم وقف را روی کلمات داشت. دست‌کم تا نیمه قرن بیستم این نسخه تنها نسخه قابل اعتماد از کتاب مقدس عبری بوده است. نسخه‌های دیگر هم کمک می‌کنند که در مورد سیر تکوین کتاب مقدس بینش‌های تازه‌ای داشته باشیم.

1. Masoretic Text; נסח המסורה

یکی از این نسخه‌ها مجموعه طومارهایی کهن است که در پایان سال ۱۹۴۶ در وادی قمران در شامات کشف شد. این نسخه‌ها به «طومارهای بحرالمیت»^۱ مشهور است و به گروهی زاهد از قرن چهارم ق.م. تعلق دارد که احتمالاً با ویرانی دوم معبد در قرن اول میلادی از بین رفتند. برخی این گروه را با اسنی‌ها که در کتاب‌های یوسیفوس به آنها اشاره شده و یحیی هم احتمالاً از آنها برخاسته بود، یکسان می‌دانند. طومارهای بحرالمیت شامل قدیم‌ترین نسخه‌های موجود کتاب مقدس عبری و تقاسیری پارسیانه و باطنی بر آن می‌شود. این متون در کنار ترجمهٔ سبعینه قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب مقدس یهودیان هستند. همچنین تورات سامری^۲، مربوط به دوران معبد دوم، تفاوت‌هایی با تورات موجود دارد و اطلاعات جالبی از متن مقدس به دست می‌دهد. در قرن نخست میلادی به تدریج ترجمه‌هایی آرامی از کتاب مقدس نگاشته شدند که گاهی ترجمه‌های مزجی هستند. این ترجمه‌ها ترگوم نامیده می‌شوند و باز هم برای آگاهی از متن مقدس مفیدند. چنان‌که در فصل بعد اشاره خواهد شد، تفاوت‌های میان نسخه‌های گوناگون چنان جدی نیستند که بخواهیم بگوییم تحریفی در متن مقدس صورت گرفته است. کتاب مقدس یهودیان همان قدر تحریف شده که دیوان حافظ با نسخه‌های متعدد خطی تحریف شده است. همچنین در هیچ‌یک از این نسخه‌ها اثری از نام پیامبر اسلام (ص) نیست.

۳-۴. سیر پیدایش عهد جدید

اگر بپذیریم که واقعهٔ صلیب و رستاخیز در حدود سال‌های ۳۰ تا ۳۳ م. رخ داده است، گزارش‌های موجود از حیات عیسی بسیار دیرتر نوشته شده‌اند و همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم هدف از نگارش آنها نگارش متن مقدس نبود. نامه‌های پولس قدیمی‌ترین متون عهد جدید هستند که در پاسخ به سؤالات هر کلیسا خطاب به آنها نوشته می‌شدند. رسالهٔ اول به تسالونیکیان در سال ۵۰ م. نوشته شد و بقیهٔ رساله‌های پولس به تدریج تا اعدام او در سال ۶۸ م. به رشتهٔ تحریر درآمدند.

1. Dead Sea Scrolls

2. Samaritan Torah

باید توجه داشت که همه رساله‌های منسوب به پولس، توسط او یا در زمان حیات او نوشته نشده‌اند. تنها درمورد انتیساب واقعی رساله اول به تسالونیکیان، رساله به رومیان، رساله به غلاطیان، رساله به رومیان، رساله‌های اول و دوم به قرنتیان، رساله به فیلیپیان و رساله به فیلمون مطمئن هستیم. درمورد اصالت رساله‌ها به کولسیان و افسسیان و رساله دوم به تسالونیکیان میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. درعین حال مطمئن‌ایم که رساله‌های شبانی یعنی رساله اول و دوم به تیموتائوس و رساله به تیتس پس از درگذشت پولس توسط هوادارانش در اواخر قرن نخست میلادی نوشته شده‌اند. رساله به عبرانیان هیچ‌گاه به صورت رسمی به پولس منسوب نشده و در اواخر قرن نخست میلادی به رشته تحریر درآمده است. در میان اناجیل، تنها انجیل مرقس اندکی پیش از ویرانی معبد در سال ۷۰ نگاشته شده است. انجیل متی بین سال‌های ۸۰ و ۹۰ نوشته شده است. انجیل لوقا و اعمال رسولان - که احتمالاً مؤلفی واحد دارند - بین سال‌های ۸۵ و ۹۵ نوشته شده‌اند. انجیل یوحنا هم بین سال‌های ۹۰ تا ۱۱۰ نوشته شده است. جدولی کامل‌تر و تخمینی از تاریخ نوشته‌های عهد جدید را در اینجا ببینیم.

کتاب/رخداد	تاریخ
رستاخیز عیسی	۳۰-۳۳ م
رساله اول پولس به تسالونیکیان	۵۰ م
رساله‌های پولس به فیلیپیان، فیلمون، غلاطیان، اول و دوم قرنتیان، رومیان و (در صورت انتساب) دوم تسالونیکیان، کولسیان، افسسیان	۵۰-۶۱ م
انجیل مرقس	اندرکی پیش از ویرانی معبد ۷۰ م
اعدام پطرس و پولس	۶۸ م
ویرانی دوم معبد اورشلیم به دست رومیان	۷۰ م
انجیل متی	۸۰-۹۰ م

رساله دوم پولس به تسالونیکیان، رساله به کولسیان و ۸۰-۹۵ م.	افسیان (در صورت جعلی بودن)
۹۵-۹۰ م.	انجیل یوحنا
۱۱۰-۹۰ م.	رساله‌های یوحنا، رساله‌های جامع، رساله به عبرانیان
۱۲۰ م.	مکاشفه یوحنا

باید توجه داشت که دلیلی نداریم مؤلف واقعی این اناجیل را اشخاصی به نام‌های متی یا لوقا یا یوحنا بدانیم؛ یعنی مثلاً بگوییم متی و یوحنا که رسولان عیسی بودند، این اناجیل را نوشته‌اند. اما اصطلاحاً از همین عناوین برای اشاره به انجیل‌نگاران استفاده می‌شود. جامعه مخاطب هریک از اناجیل متفاوت بوده است. متی برای مسیحیان یهودی‌تبار می‌نوشت و از این رو اثرش سرشار از ارجاعات به کتاب مقدس یهودیان است. یوحنا به جامعه‌ای از یهودیان باطنی تعلق داشت و به همین دلیل از مفاهیم فلسفی بهره می‌جست. لوقا هم می‌کوشید چیزی شبیه آثار تاریخی یونانی بنویسد. سایر متون منسوب به «یوحنا» نیز به جامعه یونانی تعلق دارند: رساله‌های یوحنا و مکاشفه یوحنا که همه در آغاز قرن دوم نوشته شده‌اند. رساله‌های یوحنا، رساله‌های پطرس، رساله یعقوب و رساله یهودا رساله‌های جامع نامیده می‌شوند، زیرا مخاطبشان کلیسای خاصی نیست. در این رساله‌ها گاه ارجاعاتی به اناجیل یا سنت‌هایی که منبع اناجیل بوده‌اند،^۱ یافت می‌شود.

آغاز انجیل لوقا که به سبک کتاب‌های تاریخی یونانی نوشته شده است، اطلاعات جالبی دربارهٔ پیدایش اناجیل به دست می‌دهد: «از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به‌سوی تألیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید، چنانچه آنانی که از ابتدا نظارگان و خادمان کلام بودند به ما رسانیدند، من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به تدقیق در پی رفته به ترتیب به تو بنویسم، ای تئوفلس عزیز، تا صحت آن کلامی را که در آن تعلیم یافته‌ای، دریابی» (لوقا ۱: ۴). انجیل‌نگار در اینجا به فراوانی گزارش‌ها از زندگی عیسی اشاره می‌کند.

۱. دربارهٔ منابع اناجیل در فصل سوم سخن خواهیم گفت.

تعدادی از این اناجیل هم اکنون موجودند و اصطلاحاً اناجیل اپوکریفایی خوانده می‌شوند. یکی از مشهورترین این اناجیل انجیل کودکی توماس است که برخی از روایت‌های آن به روایت‌های موجود در متون اسلامی و قرآن کریم شباهت دارد. کائنی شدن^۱ متون فوق از میان همه نوشته‌های پیروان عیسی فرایندی پیچیده و زمان‌بر بود. قدیمی‌ترین فهرستی که از آثار کائنی (رسمی) داریم، در فهرستی به نام کائن موراتوری^۲ مربوط به سال‌های ۱۸۰ تا ۲۰۰ م. آمده است. الاهیات راست‌کیشانه نقش زیادی در پذیرش یک اثر در مجموعه رسمی داشته است. همچنین جالب است کتابی که امروز کمتر اسمی از آن شنیده شده با عنوان شبان هرماس در بسیاری از بخش‌های قلمروی مسیحی مقدس دانسته می‌شد؛ اما نویسنده فهرست موراتوری با احتیاط می‌گوید که این اثر پذیرفتنی نیست. در تاریخ مسیحیت مکاشفه یوحنا یا رساله یعقوب پس از بحث‌ها و مخالفت‌های فراوانی در مجموعه رسمی عهد جدید پذیرفته شدند.

۳-۵. ترجمه‌های کتاب مقدس در مسیحیت

ترجمه سریانی کتاب مقدس «پشیئا» (یعنی ساده یا عمومی) نام دارد که احتمالاً در قرن دوم م. صورت گرفته است. ترجمه لاتینی کتاب مقدس که جروم قدیس آن را در قرن پنجم ترجمه کرد، «ولگاتا»^۳ (یعنی عام‌فهم) نامیده می‌شود. این ترجمه چنان تقدس و رسمیتی در کلیسای کاتولیک یافت که یگانه ترجمه پذیرفتنی کتاب مقدس به شمار می‌رفت و ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های دیگر اروپایی در دوران اصلاح دینی مسیحی با قصه‌ای پرغصه همراه شد. اندکی پیش از پذیرش اصلاح دینی، ویلیام تیندیل^۴ به جرم ترجمه کتاب مقدس به انگلیسی بر دار سوزانده شد و مارتین لوتر هم به نشان اصلاحات در کلیسا کتاب مقدس را به آلمانی ترجمه کرد و بدین شیوه علاوه بر اهداف دینی، به ارتقای زبان آلمانی فصیح هم کمک بزرگی کرد.

۱. canonization؛ تعلق آن به مجموعه رسمی یا مقدس در نتیجه فرایندهای تاریخی یا دستور افراد صاحب اقتدار در کلیسا و حکومت و

2. Muratorian Canon

3. Vulgata

4. William Tyndale

۳-۶. اپوکریفا

در کانن کتاب مقدس کاتولیک و ارتدکس متونی پیشامسیحی وجود دارند که در ترجمهٔ سبعینیه یافت می‌شوند، اما اصل عبری ندارند. به همین دلیل، با وجود اینکه به یهودیان پیش از مسیحیت مربوط می‌شدند، یهودیان آنها را مقدس نمی‌دانستند، اما در کلیساهای کاتولیک و ارتدکس تقدس داشتند. هم‌زمان با جنبش اصلاحات دینی، پرسش‌هایی دربارهٔ اعتبار و تقدس این متون مطرح شد. اصلاح‌گران این متون را (به دلیل نبود اصل عبری آنها) از مجموعهٔ کاننی بیرون کردند و آنها را مقدس نمی‌دانستند. این متون اصطلاحاً کتاب‌های قانونی ثانی^۱ یا اپوکریفا^۲ (یعنی کتاب‌های پنهان) نامیده می‌شوند و دو بار هم به فارسی ترجمه شده‌اند. پیروز سیارآن را از فرانسوی ترجمه کرد (تهران: نی، ۱۳۸۰) و عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی (قم: انتشارات مؤسسهٔ امام خمینی، ۱۳۸۳) از انگلیسی. کتاب‌های قانونی ثانی شامل متون زیرند: افزودنی‌هایی به کتاب استر و دانیال، توبیت، یهودیت، حکمت سلیمان، حکمت یسوع بن سیراخ، باروخ، نامهٔ ارمیا، اول و دوم مکابیان.^۳ فارغ از موضع ایمانی درمورد تقدس این متون، آنها منابعی ارزشمند برای آگاهی از یهودیت یونانی قرن سوم ق.م. تا قرن اول ق.م. هستند. منابع دیگر ما برای آشنایی با یهودیت یونانی سوداپیگرافا (یا نوشته‌های مجعول) هستند. تعدادی از آنها را حسین توفیقی در کتاب‌های فراموش‌شدهٔ عدن (قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶) ترجمه کرده است.

۴. مروری بر شیوه‌های تفسیری پیشامدرن

با توجه به اینکه تأکید این کتاب بر روش‌ها و رویکردهای مدرن است، خوانندگان را دعوت می‌کنم که برای بررسی روش‌های تفسیری قرون وسطی و دوران مدرن آغازین به منابعی دیگر مراجعه کنند، از جمله منابع زیر:

محمد شمس. (۱۳۸۹). سیر تحول کتاب مقدس. قم: بوستان کتاب.

1. deuterocanonical

2. apocrypha

۳. برخی از کلیساهای کتاب اول و دوم اسدراکس، نیایش منسه، زمزمز ۱۵۱ و کتاب‌های سوم و چهارم مکابیان را هم به این مجموعه افزودند.

عبدالرحیم سلیمانی. (۱۳۹۸). بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی-مسیحی تهران: سمت.

رابرت وان وورست. (۱۳۸۵). مسیحیت از لابه‌لای متون. ترجمه عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی. قم: مؤسسه امام خمینی.

دیوید تریسی و رابرت گرانث. (۱۳۸۵). تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس. ترجمه ابوالفضل ساجدی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. درمورد تفاسیر پیشامدرن، به‌طور خلاصه نکاتی را در نظر داشته باشیم. تفسیر متون مقدس از خود زمان نگارش متن آغاز شده است؛ به‌طوری‌که در خود کتاب مقدس نیز متون متأخرتر متون قدیمی‌تر را شرح می‌کردند و از آن الهام می‌گرفتند و به آنها ارجاع می‌دادند. روش‌های تفسیری باستانی و قرون میانه به‌اختصار از این قرارند: میدراش، پشر، ماشال، الگوری، توپولوژی و آناگوژی.

میدراش: از ماده «د-ر-ش» که همان «د-ر-س» در عربی است، به‌عموم تفاسیر گفته می‌شود. همانند «تفسیر» در اسلام، اصطلاح «میدراش» به‌معنای کل مجموعه تفسیری، روش تفسیر و هریک از تفسیرهای مکتوب است. میدراش هلاخایی تفسیر را به شریعت معطوف می‌سازد، درحالی‌که میدراش اگادایی سرشار از داستان‌های اخلاقی است. امروز نیز مانند گذشته میدراش تولید می‌شود.

پشر: از ماده «پ-ش-ر» هم‌خانواده واژه عربی «ف-س-ر» است؛ اما منحصرأ درمورد تفاسیری به کار می‌رود که در طومارهای بحرالمیت یافت می‌شود. پشرها بیشتر حول تعالیم اخلاقی برای سلوک جامعه قمران صورت گرفته است و در آنها تمثیل‌هایی با این مضامین استفاده می‌شود.

ماشال: مثل یا همان ادبیات تمثیلی‌ای است که عیسی از آن استفاده می‌کرد. در آثار حاخام‌های یهودی هم ماشال مشاهده می‌شود.

الگوری:^۱ در لغت به‌معنای «سخن پنهان»، ژانری است که یهودیان تحت تأثیر فرهنگ یونانی شکل دادند. در الگوری یک مفهوم مادی به معنایی معنوی گرفته می‌شود. فیلون اسکندرانی، اریگن و مفسران مکتب اسکندریه از این روش بسیار بهره می‌جستند. همچنین، رساله‌های پولس سرشار از الگوری است.

توپولوژی (آینه خوانی)^۱: از ریشهٔ توپوس به معنای «سایه» است. در این تفسیر نشان داده می‌شود که چگونه رخدادهای روایت‌های پیشین پیش‌سایهٔ رخدادهای بعدی هستند. مثلاً، هنگامی که اناجیل به قسمت‌هایی از کتب انبیا ارجاع می‌دهند تا بگویند آثار کهن از آمدن عیسی خبر می‌دهند، از توپولوژی استفاده می‌کنند. این شیوه در سراسر قرون میانه رواج داشت و مفسران مکتب انطاکیه در آن سرآمد بودند.

آناگوژی^۲: در لغت به معنای «صعود»، به معنای برداشت معانی اخلاقی و معنوی از متون دینی است.

در این کتاب به روش‌هایی می‌پردازیم که به‌ویژه پس از افول بسیاری از روش‌های فوق به کار رفته‌اند.

۵. الهیات و تفسیر مدرن

چنان‌که گفتیم، با وجود همهٔ این یافته‌های تاریخی دربارهٔ چنددستی متون، از نظر مؤمنان یهودی و مسیحی، کتاب مقدس مجموعه‌ای تناقض‌آمیز یا ناسازوار نیست. بلکه کل آن قابل سازگارسازی است. حتی اگر متونی وجود داشته باشد که با بسیاری از ارزش‌های اخلاقی ناپذیرفتنی باشد، مسیحیان و یهودیان هم مانند مسلمانان هنگام مواجهه با آنها دست به تأویل می‌زنند و بدین شیوه متن را با باورهای خود سازگار می‌سازند؛ بنابراین، هنگام بررسی‌های میان‌دینی، خواندن متن مقدسی از دین دیگر به صورت نص‌گرایانه و بدون مراجعه به تفاسیرشان سزاوار نیست. خواهیم دید که پرسش‌های اخلاقی‌ای که در همهٔ دوران‌ها و به‌ویژه در دوران مدرن به نحو جسورانه‌تری برای یهودیان و مسیحیان طرح شده، گرچه در موارد اندکی به این امر منجر شده که خود متن را طرد کنند، اغلب هم به سازگارسازی و تأویل و حتی الهامی برای تغییر شرایط غیرعادلانه تبدیل شده است.

پرسش‌های الهیاتی دربارهٔ وحی‌شناسی، نظریه‌های الهام و برداشت‌های الهیاتی بسیار درازدامن است و در اینجا بدانها نخواهیم پرداخت. زمینهٔ الهیاتی هریک از رویکردها و روش‌ها گاه به صورت گذرا بیان خواهد شد. تأکید کتاب حاضر بررسی

برون دینی با استفاده از روش‌های تاریخی، ادبی و اخلاقی مواجهه با متن است. توجه داشته باشیم چنان‌که پیش‌تر گفته شد، غیر از نقد متنی، همه نقدهایی که خواهد آمد، پس از قرن هجدهم بالیده‌اند. بیشتر مطالبی هم که در این فصل دربارهٔ تکوین متن مقدس گفته شده، حاصل این پژوهش‌های متنی و تاریخی و ادبی است.

چنان‌که در ابتدای سخن گفته شد، هم تاریخ تکوین متون مقدس با هم متفاوت است، هم پنداشت آنها از خودشان و هم پنداشت باورمندانشان از آنها. بنابراین، باید با احتیاط، از کار بست یک روش برای همهٔ آنها سخن گفت. در عین حال، یکی از مفروضات این روش‌ها استقلال متن از سایر منابع حجیت است. متن شاید خودش به بسیاری از امور به درست یا غلط حجیت بدهد، اما قرار نیست فهم آن در گروهی چیزهایی چون برداشت بزرگان و قدیسان یک دین باشد. بنابراین، هنگام کار بست این روش‌ها در تفسیر کتاب مقدس، برای ما مهم نیست که بزرگان و مراجع یهودی و مسیحی و مسلمان در مقام دفاع یا جدل یا تبیین چه گفته‌اند. به همین شکل، هنگام کار بست این روش‌ها در قرآن کریم نیز، خود این متن را برای حجیتش کافی می‌دانیم و روایات و احادیث و سخنان بزرگان را پس از گذاشتن در سنجه‌های تحلیلی چیزی شبیه سایر متون تفسیری معاصرشان می‌دانیم. روشن است که این سخن چیزی از اعتبار نصوص دارای حجیت در فهم الاهیاتی متون برای یک مؤمن کم نمی‌کند.

آیا چنین رویکردی در جهان اسلام سابقه داشته است؟ این رویکرد هم به روش تدبیر در قرآن که سید محمود طالقانی و عبدالعلی بازرگان پیش بردند، شبیه است، هم به رویکرد به اصطلاح پدیدارشناسانهٔ محمد ارکون و فرامرز معتمد دزفولی و هم به رویکرد قرآن‌بسنده. اما با همهٔ آنها تفاوت‌هایی جدی دارد. رویکرد حاضر از آن جهت به روش تدبری شباهت دارد که در هر دوی آنها، قرآن کریم مستقل از سایر منابع هدایت یعنی روایات یا تفاسیر پیشین فهمیده می‌شود. به گفتهٔ طالقانی،

مطالب و تحقیقات مستند و درست مفسرین آن گاه می‌تواند در فهم قرآن از جهت هدایت مؤثر باشد که خود در پرتو هدایت قرآن قرار گیرد، نه آنکه از منظر اینها به قرآن نظر شود. احادیث صحیح و مستند به منابع وحی پیرامون تأویل

اشارات و تطبیق کلیات و بیان جزئیات احکام و شرح هدایت است، این‌گونه احادیث نمی‌تواند حجاب قرآنی باشد که خود کتاب مبین و نور و بصیرت و هدایت برای متقین است. قرآن که از جهت سند و دلالت برتر است، چگونه فهم هدایتی آن می‌تواند مستند به احادیث باشد؟ قرآن مؤمن و کافر و عامه مردم را جهت آن که انسان و پی‌جوی نور هدایت‌اند، مخاطب قرار داده، نه از آن جهت آن که متکلم یا ادیب یا راوی حدیث‌اند (بی‌تا: ۱: ۱۲).

عبدالعلی بازرگان در کتابی با عنوان *متدولوژی تدبیر در قرآن* فقط به معنای ظاهری واژه‌ها و تعبیرات قرآن به‌ویژه با توجه به کاریست آنها در آیات گوناگون می‌پردازد تا آن‌گونه که ادعا می‌کند راه‌حل مشکلات مسلمانان را در آن بیابد (۱۳۸۹). حسین توفیقی گرچه روش خود را تدبیر نمی‌نامد، ادعا می‌کند که اگر قرآن برای مخاطبان آغازینش «مبین» و قابل فهم بوده و برای احتجاج با مخالفانش به کار می‌رفته است، احتمالاً بقیه مخاطبان در طول تاریخ هم باید بتوانند بدون مراجعه به احادیث و سنت تفسیری آن را بفهمند (۱۳۹۵: ۱۶).

تعلیق پیش‌فرض‌های کلامی در آثار محمد ارکون و فرامرز معتمد دزفولی «فهم پدیدارشناسانه» نام دارد (ارکون، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۸؛ معتمد دزفولی، ۱۳۹۶: ۹-۱۷). در این رویکرد انسان خود را به روی متن می‌گشاید، بدون اینکه بخواهد باورهای خود را بر متن تحمیل کند. البته گویا این رویکرد با رویکرد تدبیری تفاوت چندانی ندارد و عنوان «پدیدارشناسانه» هم برای آن چندان دقیق نیست. زیرا تعلیق پدیدارشناسانه هوسرلی با هدف تجربه اول شخص از متن، در مقابل فهم علمی یا به اصطلاح خود پدیدارشناسان فلسفی در مقابل «رویکرد طبیعی» صورت می‌گیرد، درحالی‌که ارکون و معتمد دزفولی گویا مانند نویسندگان رویکرد تدبیری بیش از آنکه بر تجربه زیسته تأکید کنند، تصور می‌کنند ظاهر خود متن سخن می‌گوید.

نویسندگانی که بر قرآن‌بسندگی تأکید دارند (یا اصطلاحاً قرآنیون) در پی زدودن زنگارهای به اصطلاح غیرقرآنی از دین هستند؛ از این رو، در کلام و عبادات و مناسک روزمره آن چیزهایی را که در قرآن نیامده است، بدعت می‌دانند. کار این

افراد بیش از آنکه تفسیر قرآن باشد، زدودن احادیث و سنت دینی از کل فهم دینی است. از این منظر، آنان رویکرد تازه‌ای در تفسیر ندارند و نظراتشان که بیشتر بر کلام و فقه متمرکز است، به بحث حاضر ارتباطی پیدا نمی‌کند.

رویکردهای تدبیری و پدیدارشناسانه چطور؟ گرچه در کتاب حاضر مانند رویکردهای تدبیری و پدیدارشناسانه بر خود قرآن کریم فارغ از سنت حدیثی و تفسیری تمرکز می‌شود، در موارد فراوانی، روش‌ها و رویکردهایی به کار می‌رود که باعث دستیابی به فهم‌های گوناگون می‌شود. تعدد فصل‌های این کتاب دقیقاً به دلیل همین تعدد روش‌ها و رویکردهاست. اما رویکردهای تدبیری و پدیدارشناسانه برخلاف آن، در پی فهم معنای ظاهری متن آن هم با یک روش شبیه روش معناشناسانه هستند. بنابراین، کتاب حاضر یک گام جلوتر می‌رود و برای کسانی مناسب است که می‌خواهند ببینند چگونه متن پس از رد شدن از یک دستگاه روشی یا نظری خاص - مانند نقد تاریخی یا ادبی یا حساسیت سلطه‌ستیزانه - نتیجه‌ای تازه به دست می‌دهد.